



۲۰۱۴/۲/۱۷

م، نعیم بارز

مسأله انتخابات و مشروعیت دولت!

چه کسانی احتمالاً در انتخابات سال ۲۰۱۴ کاندید ریاست جمهوری افغانستان خواهند بود و چه کسی شایسته آن مقام است؟

در نظام دیموکراسی انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان پارلمان، رؤسای بناروالی ها با همه کم و کاستش از سوی مردم یک مسأله ستراتیژیک بوده و معیار اساسی در تعیین مشروعیت حاکمیت ملی بحساب می آید.

اقتساب صحیح و بر حق حاکمیت آنست که نه به اصطلاح داد الهی باشد و نه از سوی اجنبی، بلکه شخص یا یک تشکل حزبی گروهی در اثر فعالیت ها و همفکری ها و همکاری ها تجربیاتی گرد آورده و در اثر رقابت و مسابقه سالم با دیگران پخته و نیرومند شده و در امور اجتماعی به مردم امتحان بدهد، که متأسفانه به این روش تا حال در کشور ما کسی و حزبی به قدرت نرسیده است.

هرگاه انتخابات بشکل ظاهری و فورمالیته صورت گیرد، کسی و کشوری با جمعی از افرادی بنام ولسی جرگه، دیموکراسی و پارلمان سیاسی مردمی ندارد و با داشتن یکنفر به عنوان رئیس جمهور، جامعه نظام جمهوری ندارد، شکل ها و فورم ها محتویات مربوط و لازم را در بر نمی گیرند، باید حد اقلی از محتویات در اعمال و تفکرات و احساسات و رفتار جامعه باشد تا بتوان نظام جمهوری و دیموکراسی داشت.

با تحمیل شکل دولت نمی شود آن محتویات را ساخت، ساختن شکل دولت نمی تواند محتویات متناظرش را بطور محتوم و ضروری در مردم بسازد، بلکه تا اندازه آن محتویات اجتماعی و روحی و فکری و عاطفی در جامعه باشند که شکل دولت از اجتماع بیرون آید.

قبل از تشکیل اداره مؤقت و روی کار آمدن آقای کرزی کسانیکه در مدت بیست و سه سال به قدرت و در رأس جنگ و جهاد، در وابستگی به دولت های دشمن افغانستان قرار داشتند یک بخشی از عناصر ملی و آگاه جامعه را مجبور به ترک کشور نموده و یا آنهایی را که توان فرار نداشتند با خشونت و فشار های اقتصادی و غیره از ارزش های مثبت انسانی دور نگاهداشتند و بدین ترتیب به قدرت رسیدن و حفظ مؤقت قدرت برای شان میسر شده بود، و در دوره های حاکمیت آقای کرزی نیز خواسته و یا ناخواسته اکثر کرسی های هر سه نهاد را جنگسالاران و جنایتکاران به اشغال خود در آوردند، اینکه چرا؟

در اینجا صرف به ذکر یک عامل اساسی اکتفا میکنم که پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویارک، دولت امریکا تصمیم گرفت با همکاری و همیاری گروه های مسلح جبهه شمال رژیم طالبان را در افغانستان سقوط داده تا بتواند جلو عملیات تروریستی را بگیرد، با این هدف جیب های سران جبهه شمال ضد طالبان را پر از دالر و دست های شان را پر از سلاح نمود، که پس از سقوط رژیم منحنط طالبان با چشم پوشی از هر عمل جنایتکارانه «حزب دیموکراتیک خلق» و رهبران جهاد، آنها را به عنوان صاحبان اصلی قدرت به مردم افغانستان و جهان معرفی کرد و به این صورت آنها تقریباً تمام نهاد های مهم اداری، قانون گذاری، پولیس و اردو را به اشغال شان در آوردند.

اگر بعد از سقوط طالبان اقل چند نفر از عالی منصبان خائن ملی و جنایتکار که هر کدام پشتاره ای از خیانت و جنایت را باخود داشتند و دارند به محاکمه کشیده می شدند و مردم بصورت علنی جریان محاکمه شان را از طریق رادیو تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی دیده و می شنیدند و در مورد جر و بحث های صورت می گرفت ممکن آنها تا این حد گستاخ و بخود حق و جرئت نمی دادند که خود را مستحق مقامات بلند می دیدند و مردم هم تا این اندازه در بی خبری و تحت فشار

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

قرار نمی گرفتند که آدم کشان و دشمنان خود را در مقامات حکومت تحمل کرده و بالاخره یک بخشی از آنها را بحیث نماینده سیاسی شان انتخاب نمایند.

با اینحال دیدیم که انتخابات ریاست جمهوری و هم انتخابات ولسی جرگه بصورت معیاری و قانونی صورت نگرفت، بنا بران نتایج خوب به بار نیامد، بالعکس فساد، رشوه ستانی، اختلاس، تجاوز به جان و مال و ناموس مردم روز تا روز بیشتر شده رفت.

لذا ایجاب میکند علل و انگیزه های داخلی و خارجی آن به شکل صحیح و همه جانبه به بررسی گرفته شود ولی در اینجا تنها به یکی دو عامل داخلی آن اشاره می شود که در انتخابات سال ۲۰۱۰ در دور اول رایدهی تعداد کاندید ها نزدیک به پنجاه نفر بودند و اکثریت در سر لوحه پروگرام شان تعهد به اسلام و اجرای شریعت را به مردم وعده داده بودند، در حالیکه پدیده انتخابات اساساً یک مسأله سیاسی است، بناءً هر گاه مردم با این نوع برنامه ها مواجه می شوند، در ذهن شان سؤال هایی خطور می کند و از جمله اینکه این همه کاندید ها به چه معناست؟ آیا آنها نسبت بر مسلمانی همدیگر خود شک کرده اند و یا بر مسلمانی مردم؟ و الی اگر همه در خط اسلام اند پس این چند پارچگی به چه معنی است؟ و یا آنهایی که برنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند، چرا بر محور یکی دو برنامه باهم توافق نمی کنند؟

وقتی در مسایل سیاسی برخورد، دینی - مذهبی شود، مردم بجای رفتن بسوی انتخابات و سیاست، نسبت به سیاست و انتخابات بی علاقه می شوند و خود را از سیاست کنار کشیده و از همه احزاب بیزار می شوند، زیرا در صورتیکه رهبران دینی - مذهبی بین خود چند دستگی ایجاد کنند و زمینه تنازع و جدال میان مذهب، دین و سیاست را فراهم کنند بیزاری از خود دین و کناره گیری از مسایل سیاسی در مردم پدیدار می گردد.

از گذشته های دور بدینسو یکی از علل توجه اهل شعر و ادب به تصوف همین قضیه بوده و یکی از عوامل بسیار مهم دیگر جدائی سیاست از دین در اروپا و کشور ترکیه اسلامی نیز همین قضیه بوده است، اشتباه نشود کس فکر کند که حزب مذهبی «عدالت» که اخیراً به حکومت رسیده نظام لئیسیتی اتاتورک به نظام دینی برگشته است. خیر چنین نیست، در دیموکراسی و نظام لئیسیتی و سیکولار هر فرد و هر حزب حق دارد از طریق فعالیت های سیاسی و اجتماعی نظر مردم را بخود جلب کرده و در انتخابات آزاد اکثریت را بدست آورده بر طبق قانون اساسی آن کشور برای چند سالی حکومت نموده برنامه سیاسی، اقتصادی خود را تطبیق نمایند، اما هیچیک از احزاب دینی - مذهبی و ایدئولوژیکی این حق را ندارند که بجای نظام لئیسیتی نظام دینی - مذهبی یا ایدئولوژیک دلخواه شان را برقرار نمایند.

گرچه آنطوریکه مردمان غربی در مسیر تکامل جوامع شان در مبارزات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به پیش رفته، پله به پله و مرحله به مرحله از دوران بردگی به فئودالی و از فئودالی به صنعتی و مدرنیسم و امروز به اصطلاح به پسا مدرنیسم رسیده اند، اما درست معلوم نیست که جامعه ما فعلاً در کجای حرکت تاریخی قرار دارد، این قدر پیداست که از لحاظ اقتصادی زندگی مردم ما هشتاد در صد متکی به تولید زراعتی بوده که از این لحاظ هم به مرحله خود کفائی نرسیده و از لحاظ ترکیب اجتماعی، چند قومی و از نظر فرهنگی چند زبانی و کلاً دینی، مذهبی و سنتی می باشد.

پس احزاب سیاسی در جا های دیگر که اصلاً برآمده از دوران صنعتی بوده، ولی در کشور ما بنا بر عقب ماندگی های متعدد آن هنوز شکل و قوام نیافته و کشور ما تاحال دارای یک ملت - دولت به مفهوم غربی آن نشده است، آنچه از حزب و گروه نام برده می شود، بیشتر زد و بند نیست بین نخبگان قومی و به اصطلاح جنگسالاران که سعی دارند ثروت و قدرتی را که در ظرف سی سال اخیر به چنگ آورده اند به آن بیفزایند و یا حد اقل آنرا حفظ نمایند.

بهر حال من در اینجا از بعضی افراد و سران تشکل هایی نام می برم که احتمالاً در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ خود را برای کسب مقام ریاست جمهوری افغانستان کاندید خواهند نمود.

۱ - ائتلاف ملی: به رهبری داکتر عبدالله عبدالله، این به اصطلاح بودند دولی و بگیل که در انتخابات سال ۲۰۱۰ در مبارزه با آقای کرزی شکست خورده است.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

- جناب یونس قانونی نماینده مردم در ولسی جرگه و شاید اشخاص دیگری از این ائتلاف هم خود را کاندید نمایند
- ۲ - جبهه ملی: احمد ضیا مسعود برادر و میراث خور احمد شاه مسعود که قبلاً مدت چهار سال معاون اول رئیس جمهور کرزی بود.
- حاجی محمد محقق نماینده در ولسی جرگه و رهبر حزب وحدت که مشهور به جنگسالار است.
- جناب عبدالرشید دوستم رهبر « جنبش اسلامی » و بگفته خودش بنام لوی در سنیز در وزارت دفاع که شهرت آفاقی آن جنگسالار می باشد.
- در ارتباط با جبهه ملی، حاجی عطا محمد نور والی ولدینگ شده از سوی امریکائی ها در ولایت بلخ که خود گفته عضو رسمی جبهه ملی نمی باشد ولی از همین حالا قبل از فرا رسیدن زمان قانونی مبارزات انتخاباتی چند روز قبل مجلسی در شهر مزار شریف بر گزار کرده بود و بعد با سفیر امریکا دیدار نمود، معلوم می شود که از همه بیشتر دل او برای مقام ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ بی تاب و بی قرار است.

کاندید های احتمالی مستقل.

- جناب محمد قسیم فهیم، معاون اول ریاست جمهوری که تا هنوز در همه بخش های دولت بخصوص در وزارت دفاع و داخله نفوذ دارد، او خود می داند که به جز از جانب بخشی از مردم پنجشیر حتی در حد حاجی محمد محقق و عبدالرشید دوستم روی عامه مردم حساب کرده نمی تواند و از چند سال بدینسو از حمایت دولت امریکا نیز چندان بهره مند نیست.
- زلمی خلیل زاد، سابق سفیر امریکا در افغانستان و از چند سال بدین سو در آرزوی رئیس جمهور شدن در افغانستان است، او تلاش دارد تا بتواند با مهره های دارای نفوذ قومی، دولتی و تاجران افغان به توافق برسد تا پس از بدست آوردن یک چنین اطمینان و به حمایت حزب جمهوری خواه امریکا خود را برای مقام ریاست جمهوری افغانستان کاندید نماید، اما از آنجائیکه از حمایت حزب دیموکرات و رئیس جمهور بارک او باما برخوردار نیست، شاید در افغانستان هم کس حرف هایش را زیاد تحویل نگیرد.
- در باره کاندیداتوری فاروق وردک وزیر معارف و عمر زاخیل وال وزیر مالیه که گهگاهی از شوق رئیس جمهور شدن آنها نیز سخن گفته می شود، اما اخیراً معلوم شده که نه کرزی از آنها چندان راضیست و نه سازمان ملل و نه عامه مردم، لذا ممکن خود به این مساله متوجه شده باشند و از این خیال خام بی تکلیف صرف نظر نمایند.
- داکتر رمضان بشر دوست نماینده مردم کابل در ولسی جرگه که در سال ۲۰۱۰ کاندید ریاست جمهوری بود، در دور اول با بدست آوردن سه صد و پنجاهزار رأی، نفر سوم شناخته شد، او انسان بسیار باوجدان توأم با داشتن نیت خیر خواهانه در قبال مردم فقیر و محروم افغانستان، اما معلوم شده که از لحاظ سیاسی و سازماندهی خیلی ضعیف است و به همین نسبت در مدت چند سال در مقام وزارت پلان و بحیث نماینده مردم در ولسی جرگه نتوانسته به ایجاد یک فراکسیونی در پارلمان و یا یک تشکل سیاسی اجتماعی در جامعه موفق گردد.
- عبدالقیوم کرزی برادر رئیس جمهور کرزی که گفته می شود او هم یکی از کاندید های ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ خواهد بود، ممکن است در یک توافق با قسیم فهیم و پشتیبانی رئیس جمهور کرزی شانس موفقیت داشته باشد اما امید است آقای کرزی متوجه اثرات منفی این مساله شده باشد و به وی اجازه ندهد که خود را کاندید نماید، گرچه این حق سیاسی هر افغان است.
- داکتر اشرف غنی احمد زی، در سال های تجاوز شوروی و جنگ های داخلی در یکی از پوهنتون های ایالات متحده امریکا تدریس می نمود، در همان سال ها هم مقالاتی در دفاع از منافع ملی افغانستان می نوشت و برای نجات مردم تپ و تلاش داشت همزمان با تأسیس اداره مؤقت به حیث وزیرمالیه تعیین شد که با درایت و پاک نفسی توانست آن وزارت را

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

سازماندهی و رهبری خوب نماید اما وقتی خود را در جلوگیری از سوء استفاده ها در مقابل زورمندان عاجز دید مجبور به استعفی شد و چند صباحی ریاست تعلیمات عالی را به پیش برد، وقتی در آنجا هم از فشار واسطه ها و سوء استفاده جوئی های زورمندان به ستوه آمد باز هم ناگزیر به استعفی گردید و به حیث مشاور در کنار رئیس جمهور کرزی باقی ماند تا اینکه در رأس یک هیئت در مسأله تحویلهی و تحویلگیری از قوای ائتلاف بین المللی به وزارت دفاع افغانستان تعیین شد، او تا کنون این مسئولیت را بخوبی دنبال نموده و پیادست که کرزی و امریکائی ها به اهلیت و صداقت و دیگر ارزش هایش ارج می گذارند. و آنچه که او را بیشتر از هر چیز دیگر نسبت به کرزی متمایز می سازد برخورد قاطعانه و عدم سازش و مصلحت جوئی وی با زورمندان است، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۰- کاندید بود با بدست آوردن سه صد هزار رأی نفر چهارم شناخته شد که بدون تردید بیشترین رأی دهندگانش اهل دانش و روشنفکران بوده اند.

خلاصه با آن همه رنج و مصیبتی که در بیش از سی سال بر مردم گذشته، می توان گفت فقط با استحاله تقدم معیار تجربه مستقیم و زنده بر ایدئولوژی ها، دین و مذهب و علوم به اصول سازمان و ساختار سیاسی حقوقی است که امکان همزیستی و همکاری و همدردی و همفکری و همراهی در یک جامعه آزاد فراهم می آید و بخوبی برای همه محسوس و قابل درک بوده که جامعه افغانستان نیازمند یک تحول کیفی است و در طلب رهبری فردی می باشد که دیگر سیاست سازش و مصلحت جوئی را کنار زده با قاطعیت و کار آئی لازم دولت را رهبری نماید.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ